

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید- سال پنجم- شماره سوم- پاییز ۱۳۹۸- شماره پیوسته ۲۵

واکاوی مؤلفه‌های دینی در اشعار عامیانه بختیاری

(ص ۱۱۳ - ۱۳۰)

حمید رضایی^۱، ابراهیم ظاهری عبدوند(نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۳

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

شعر عامیانه، نقش مهمی در بازنمایی و نهادینه کردن هویت، به خصوص هویت دینی در فرهنگ بختیاری دارد. در این پژوهش، به بررسی مؤلفه‌های دینی در اشعار عامیانه بختیاری (کودکانه‌ها، اشعار مربوط به عروسی و سوگ‌سروده‌ها) با روش توصیفی-تحلیلی پرداخته شده تا تصویری که از مفاهیم دینی در این اشعار بازتاب یافته است و کارکرد این مفاهیم در فرهنگ بختیاری مشخص شود. همچنین بررسی شده است که مؤلفه‌های دینی در کدامیک از اشعار مذکور، بیشتر بازتاب یافته است و چه تفاوتی در این زمینه دیده می‌شود. نام خداوند، پیامبر(ص)، حضرت علی (ع)، امام رضا(ع)، امامزادگان، قیامت، زیارت، کعبه، مشهد، کربلا، نماز، قرآن و مهر، از مهمترین مؤلفه‌های دینی بازنمایی شده در این اشعار هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در اشعار کودکانه، به صورت غیرمستقیم، کودک را ابتدا با صفات جمالی خداوند آشنا می‌کنند و به او آموزش می‌دهند که برای حل مشکلات، باید به خداوند توکل کرد و به پیامبر و امامان متوسل شد. در اشعار مربوط به عروسی بیشتر از اعتقادات مذهبی عروس و داماد سخن گفته می‌شود و این که خداوند و ائمه، رفع‌کننده بلاها هستند. در سوگ‌سروده‌ها، بیشترین تنوع و بازتاب مؤلفه‌های دینی را می‌توان یافت. در این نوع، همواره هم از اعتقادات دینی شخص متوفی سخن رفته و هم از خداوند خواسته شده است مشکلات و بیماری‌های افراد را برطرف کند.

کلمات کلیدی: اشعار عامیانه بختیاری، مؤلفه‌های دینی، سوگ‌سروده، خداوند، پیامبر(ص).

Email:Faanid2003@yahoo.com

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، ایران.

Email :Zaheri_1388@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد، ایران.

۱. مقدمه

تغییر موقعیت‌هایی همچون تولد، ازدواج و مرگ، در زندگی بشر، به اندازه‌ای مهم هستند که مناسک ویژه‌ای برای نشان دادن این تغییر موقعیت‌ها برگزار می‌شود. این مراسم و مناسک، متأثر از عواملی همچون هویت‌های مختلف محلی، قومی، دینی، جهانی و از جمله هویت دینی هستند. «در هر یک از این هویت‌ها چرخه مناسکی، این هدف را دنبال می‌کنند که از طریق ایجاد ساختارهای معنایی- رفتاری، هویت مزبور را حفظ و رابطه و موقعیت آن را با سایر هویت‌ها تعیین کنند» (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۸۹-۲۸۶). در حقیقت از طریق این مناسک، هویت‌های مختلف و اثرگذارنده بر آن‌ها، در بین افراد جامعه نهادینه می‌شوند و مبنای رفتاری در اختیارشان گذاشته می‌شود.

در فرهنگ بختیاری نیز به عنوان یکی از خرده فرهنگ‌های ایرانی، برای هر کدام از مراحل مختلف زندگی فرد، مناسکی وجود دارد و با وارد شدن به هر مرحله از زندگی، از شخص رفتار خاصی انتظار می‌رود که این رفتار خاص، از طریق این مناسک، به افراد آموزش داده می‌شود. برای تولد، ازدواج و مرگ افراد در فرهنگ بختیاری، مراسم و مناسک خاصی برگزار می‌شود که این مراسم، همواره با خواندن اشعار عامیانه همراه بوده است. این اشعار نه تنها برای برانگیختن احساسات مختلف مانند شادی و غم خوانده می‌شوند، بلکه انتظارات متناسب با موقعیت جدید را نیز به فرد آموزش و اعتقادات سراینندگان آنان را نشان می‌دهند. بر این اساس، در این اشعار از مسائل مختلفی از جمله مسائل دینی و مذهبی سخن گفته می‌شود که بررسی آن‌ها، می‌تواند نقش مهمی در شناخت نگرش قوم بختیاری به این موضوع داشته باشد؛ چراکه آوازه‌ها و ترانه‌های عامیانه، نماینده روح و صدای درونی هر ملتی هستند (ر.ک: هدایت، ۱۳۷۸: ۲۰۴) و با واکاوی آن‌ها، می‌توان به اندیشه‌های آن ملت دست یافت؛ بنابراین در این پژوهش، مفاهیم دینی در اشعار عامیانه بختیاری بررسی می‌شوند.

۱-۱. هدف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی در این پژوهش، بررسی مؤلفه‌های دینی در اشعار عامیانه بختیاری (کودکانه‌ها، اشعار مربوط به عروسی و سوگ‌سروده‌ها) است و به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که در این اشعار، بیشتر به چه مؤلفه‌های دینی توجه شده است؟ چه نوع نگرشی به دین در اشعار مربوط به این سه مرحله زندگی دیده می‌شود؟ و مؤلفه‌های دینی، چه کارکردهایی در این اشعار دارند؟

۱-۲. روش پژوهش

برای جمع‌آوری اشعار مورد نظر، از روش کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی استفاده شده است؛ بدین‌گونه که ابتدا آثار نوشته شده در این زمینه، بررسی و ابیات با محتوای مذهبی استخراج شد و سپس با تحقیق میدانی و پرسش از افراد صاحب نظر، اشعار دیگری نیز به دست آمد. در ادامه با روش توصیفی-تحلیلی و با توجه به اهداف و پرسش‌های مورد نظر در پژوهش، به بررسی آن‌ها پرداخته شد.

۱-۳. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره مؤلفه‌های دینی در اشعار عامیانه بختیاری پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ اما در برخی از آثار مختص به فرهنگ بختیاری، اشعار با محتوای دینی جمع‌آوری شده است که می‌توان به آثاری همچون فرهنگ بختیاری از عبدالعلی خسروی، فولکلور مردم بختیاری از عباس قنبری، ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری از احمد عبداللهی موگویی، سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری از محمد حنیف، اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری از بیژن حسینی، موسیقی و ترانه‌های بختیاری از کاظم پوره، موادی برای مطالعه گویش بختیاری از مریم شفق و مهدی دادرسی، سوگواری در بختیاری از ایوب کیانی، فرهنگ و ادبیات کودکان بختیاری از علی حسین پور و دانشنامه قوم بختیاری از سریا داوودی حمله اشاره کرد.

گفتنی است مؤلفه‌های دینی در ادبیات عامیانه ایران، در چندین کتاب و مقاله بررسی شده است؛ برای نمونه، بهاء‌الدین خرمشاهی در کتاب «قرآن‌پژوهشی»، برخی از اصطلاحات قرآنی در محاوره فارسی را بررسی کرده و معتقد است امثال و حکم قرآنی که در ادب عربی و فارسی به کار رفته، فراوان و شمارش‌ناپذیر است (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۱/۵۹۶). حسن ذوالفقاری در مقاله «هویت دینی و ملی در ضرب‌المثل‌های فارسی» به این نتیجه رسیده است که مسائل دینی و مذهبی به دلیل آمیختگی شدید با زندگی مردم، بازتابی گسترده در ضرب‌المثل‌ها داشته است (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۵۱-۵۰). علی اصغر باباصفری و پریسا اورک در مقاله «تأثیر قرآن بر آفرینش ضرب‌المثل‌های فارسی» به این نتیجه رسیده‌اند که کاربرد وسیع آیات قرآن در ضرب‌المثل‌های عامیانه، نشان از نفوذ و تأثیر کلام خداوند در یکی از عرصه‌ها و شئون مهم فرهنگ عامه دارد (ر.ک: باباصفری و اورک، ۱۳۹۲: ۱۰۳). نتیجه مقاله «تحلیل و بررسی بازتاب قرآن کریم در کنایه‌های عامیانه با رویکرد بینامتنیت» این است که «روابط بینامتنی کنایه‌های عامیانه با قرآن، در سطح گسترده‌ای است که قسمتی از آن را واژگان، مضمون، حوادث تاریخی، شخصیت‌ها و عنوان‌های به کار رفته در قرآن شامل می‌شود. بیشترین نوع بینامتنی نیز شامل الفاظ و واژگان است» (غفوری‌فر و حسینی، ۱۳۹۶: ۱۸۵).

۲. جایگاه دین اسلام و مذهب شیعه در فرهنگ عامه بختیاری

تقریباً از نیمه نخست قرن اول هجری، مناطق لرنشین فرصت آشنایی با دین اسلام و پذیرش آن را یافتند. آنان به سبب عواملی همچون تحقیر شدن از سوی دستگاه خلافت، آشنایی بیشتر با دین اسلام و به خصوص حضور و گذر شخصیت‌های مهم مذهبی و امامزادگان از زاگرس، با مذهب تشیع آشنا شدند و این مذهب را به عنوان مذهب خود پذیرفتند. اکنون نیز بختیاری‌ها، به طور کامل مسلمان و دارای مذهب جعفری هستند و وجود اماکن دینی و مذهبی چون پرستشگاه‌ها، قدمگاه‌ها و امامزاده‌های فراوان در خاک بختیاری، نشان‌دهنده روحیه بالای دینی و مذهبی آنان است (ر.ک: علیزاده، ۱۳۸۸: ۲۸۵؛ قنبری، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۳). درباره نفوذ فرهنگ اسلامی و شیعی در فرهنگ ایرانی، گفته شده است که جهان‌بینی اسلامی به شکلی عمیق در ایران نفوذ کرد و این جهان‌بینی به عنوان گنجینه فرهنگ و آداب آنان، نسل‌ها منتقل شده و بی‌مانند باقی مانده است و بدین ترتیب، موضوع‌های مذهبی بخش قابل توجهی از تکامل فولکلور آنان را تشکیل می‌دهد (ر.ک: سپیک، ۱۳۸۴: ۱۰۱). این امر، در مورد فرهنگ بختیاری نیز صادق است؛ چنان‌که آداب و رسوم و سنت‌های بختیاری، مشحون از اعتقادات و باورهای اسلامی شیعی است. در تمام مراحل زندگی از تولد، ازدواج تا مرگ و در انجام تمام کارها، می‌توان این تأثیرپذیری را مشاهده کرد. در این فرهنگ، با تولد کودک، در گوشش اذان و اقامه گفته، در نام‌گذاری‌ها از نام شخصیت‌های مذهبی استفاده می‌شود و در ترانه‌ها و لالایی‌ها، او را با اعتقادات مذهبی آشنا می‌کنند. در انتخاب همسر و اشعار خوانده شده در این زمینه، اساس بر باورهای شیعی، در انجام کارها، معمولاً نام ائمه (ع) امیدبخش افراد است و هنگام مرگ نیز فرد را با گفتن شهادتین، تکبیر و نام ائمه (ع) دفن می‌کنند (ر.ک: حنیف، ۱۳۸۶: ۷؛ حسین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۶۷؛ رضایی و ظاهری، ۱۳۹۴: ۴۴).

۳. مؤلفه‌های دینی در اشعار کودکان بختیاری

منظور از کودکان‌ها، لالایی‌ها، ترانه‌های نوازشی و اشعاری هستند که کودکان هنگام بازی‌ها می‌خوانند. این اشعار، نقش بسیار مهمی هم در بازنمایی فرهنگ دینی و مذهبی در فرهنگ بختیاری دارند و هم در نهادینه کردن این مسائل در میان قشرهای مختلف جامعه به خصوص کودکان؛ چرا که اولین شناخت کودک با فرهنگ دینی، معمولاً از طریق این اشعار ایجاد می‌شود. آشنایی با صفت‌های خداوند، توکل به خداوند، نقش معنوی پیامبر، امامان و امامزادگان به ویژه حضرت علی (ع) و حضرت معصومه (س) و زیارت، از مهم‌ترین مؤلفه‌های دینی بازتاب یافته در کودکان‌ها در فرهنگ بختیاری هستند. در لالایی‌ها تصویری که از خداوند ارائه شده، خداوندی است صاحب هر چیز، نگهدارنده و حافظ، از این برنده بیماری‌ها و برطرف‌کننده نیازها؛ بنابراین می‌توان گفت در لالایی‌ها، برای کودک،

صفت‌های جمالی خداوند ترسیم شده است و ابتدا کودکان به چنین شناختی از خداوند دست می‌یابند؛ اما در ادامه، در اشعار نوازشی به صورت غیرمستقیم، به کودک یاد داده می‌شود به سبب نعمت‌های گوناگون، باید سپاس‌گزار خداوند بود و سپس در اشعار مربوط به بازی، به آنان آموخته می‌شود انسان باید از رذایل اخلاقی دوری گزیند تا مورد مؤاخذهٔ خداوند قرار نگیرد و در این مرحله است که کم‌کم کودک با صفت‌های جلالی خداوند نیز آشنا می‌شود و می‌آموزد هر کاری را نباید انجام دهد. همچنین در این اشعار، برای حل مشکلات و حفظ جان افراد از بلاها، به پیامبر(ص)، امامان و امام‌زادگان توسل می‌شود. گفتنی است در این اشعار، اعضای خانواده به‌خصوص مادر، بیشتر از مشکلات مهم زندگی با خداوند، پیامبر و امامان سخن می‌گویند و حل مشکلات خود را از آنان می‌خواهد. این امر به صورت غیرمستقیم بر اندیشهٔ کودکان نیز تأثیر می‌گذارد و بدین گونه، به کودک آموزش داده می‌شود که برای حل مشکلاتش، باید به خداوند و اهل بیت(ع) تمسک بجوید.

لالایی‌های مذهبی در فرهنگ بختیاری، در حقیقت دو کارکرد دارند: در ارتباط با کودکان، باید گفت که آن‌ها هم از الفاظ موزون، مقفا و مکرر لالایی‌ها لذت می‌برند. «[کودک] کلمات را دوست دارد. از وزن، قافیه و تکرار الفاظ بی‌معنا لذت می‌برد» (شعاری نژاد، ۱۳۷۸: ۷۵) و هم از طریق این اشعار، از همان دوران کودکی، با مسائل دینی آشنا می‌شوند. کارکرد دوم، مربوط به مادران است. در ارتباط با مادران، مادرانی که این لالایی‌ها را با آهنگ خاصی برای کودک می‌خوانند، لالایی‌ها، سبب آرامش‌شان می‌شوند، به‌خصوص هنگامی که در آن‌ها از توکل به خداوند و توسل به ائمه(ع) سخن گفته می‌شود. در لالایی‌ها، مادران با خداوند راز و نیاز می‌کنند، در این نجواها، از نیازها و مشکلات خود با خداوند سخن می‌گویند و بدین طریق، برای دردهای خود، تسکین و درمانی می‌جویند. گفتنی است از آن‌جا که لالایی‌ها، اشعاری است در حوزهٔ خانواده؛ بدین معنی که معمولاً مادران آن‌ها را می‌سرایند، می‌خوانند و کودکان نیز شنوندگان آن‌ها هستند، طبیعی است که مادر نیز از مسائل و مشکلات خانواده بیشتر در این اشعار سخن بگوید.

از مهم‌ترین صفت‌های خداوند در لالایی‌ها، این که خداوند صاحب جهان دانسته شده است. مادر، از طریق لالایی‌ها، از همان آغاز زندگی، به کودک می‌آموزد که قدرتی فراتر از همهٔ قدرت‌ها، جهان را آفریده و قدرت برتر، صاحب تمام جهان است:

خُداوَندا، خُداوَندِ جَهُونِی خُداوَندِ زَمینِ و آسَمونِی
(حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۲۳۷)

xodāvandā xodāvande jahūni / xodāvande zemino āsemūni

برگردان: خداوند، صاحب جهان، زمین و آسمان هستی.

از دیگر صفت‌های خداوند در لالایی‌ها، برطرف‌کننده مشکلات و حافظ افراد از بلاهاست. گرچه لالایی‌ها برای کودکان خوانده می‌شوند، مادر در این اشعار، بیشتر با خداوند از مشکلات خود سخن می‌گوید و از خداوند برای حل این مشکلات کمک درخواست می‌کند. بدین ترتیب کودک به صورت غیرمستقیم، از کنش‌ها و گفتارهای مادر، همواره می‌آموزد که تنها خداوند تواناست که می‌تواند مشکلات مختلف افراد را حل کند. از مهمترین مشکلات مادر در خانواده سنتی ایرانی، به خصوص زنان طبقات پایین جامعه، نداشتن وقت برای رسیدگی به کودک بوده است: «رسیدگی مادر به کودک تنها دربرگیرنده رسیدگی‌های ابتدایی و شیردادن به کودک بود؛ زیرا نه اطلاعات و نه امکانات به کودکان وجود داشت و نه شدن کاری که زنان باید انجام می‌دادند، فراغتی برای رسیدگی بیشتر به کودکان را امکان‌پذیر می‌ساخت» (اعزازی، ۱۳۸۹: ۵۷). این امر در مورد فرهنگ بختیاری نیز به گونه‌ای صادق است. در این قوم، زن مسئول انجام بسیاری از کارها به خصوص کارهای درون خانه است؛ مانند دوک ریزی، شیردوشی، نظافت، آوردن آب و هیزم، پختن نان، بافتن انواع وسایل مورد نیاز خانواده (رک: رضایی و ظاهری، ۱۳۹۲: ۲۴۶)؛ بنابراین زن به سبب انجام کارهای مختلف، زمان چندانی برای رسیدگی کردن به کودک ندارد. بدین سبب وی، از طریق لالایی‌ها همواره از خداوند می‌خواهد که کودکش زودتر بخوابد تا او بتواند کارهای خانه را انجام دهد:

خُدا آی بده خُووِ خَیری به رُوڈم
خُوَر داری ز بید و نَبُودم
(حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۲۳۵)

xodā ay bede xave xayri be rūdom/ xevar dāri ze bido nabūdom

برگردان: خدایا بده خواب خوشی به فرزندم که تو از بود و نبود من خبرداری.
پرداختن به کودک نه تنها مانع از انجام کارهای خانه می‌شود؛ بلکه موجب می‌شود تا مادر نتواند در زمان مقرر به عبادت بپردازد و نماز خود را بخواند که این موضوع، از دغدغه‌های مهم مادر، در لالایی‌هاست:

آله لِلالِی گُلِ جاز
آفَتُو دَرَهْد نَکِرْدَم نماز
(همان: ۲۴۲)

alāh lelāei gole jāz /aftaw darah nakerdom nemāz

برگردان: اله لالایی گل جاز، آفتاب غروب کرد و من هنوز نماز نخوانده‌ام.
از جمله ویژگی‌های خانواده در ایران که در خرده فرهنگ بختیاری نیز مصداق دارد، اهمیت فرزند است. «از صفات و مشخصات خانواده ایرانی، توجه و اهمیت بسیار به فرزندان است. این معنی هم در خانواده در گذشته و هم در دوره معاصر دیده می‌شود. اهمیت فرزند به اندازه‌ای بوده است که بسیاری علت تشکیل خانواده را فرزندآوری زیاد می‌دانسته‌اند» (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۷۶). در فرهنگ بختیاری نیز

چنان‌که در لالایی‌ها بازنمایی شده، داشتن فرزند بسیار مهم بوده است و همواره از خداوند خواسته می‌شود که کودکان‌شان زنده بمانند:

هر که اولاد داره خدا زِس نگیرِه سره بی اولاد خُوِه که بِمیره
(حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۲۳۹)

har ke awlād dāre xodā zes nagire /sare bi awlād xove ke bemire
برگردان: هر کسی که صاحب اولاد است خداوند، فرزندش را از او نگیرد [نمیرد] که فرد بی‌فرزند، بهتر است که بمیرد.

در لالایی زیر نیز نگهدارندهٔ واقعی کودک، خداوند دانسته شده و مادر آرزومند است خداوند همواره نگهدار کودکش باشد:

دو چشم زُود جُونیم بی بلا بُو نیه دار سَنُو و روزِس خدا بُو
(همان: ۲۷۱)

do çâşme rûde jûnim bi balā bû /neyah dāre şaw vo rûzes xodā bû
برگردان: دو چشم فرزند همچون جانم بی بلا باد. نگهدارندهٔ شب و روز او خداوند باد.
در گذشته، مرگ و میر کودکان به سبب عوامل مختلفی از جمله بیماری‌ها و بلاهای مختلف طبیعی، زیاد بوده است؛ بدین سبب این امر، از دغدغه‌های مهم خانواده‌ها بود. این دغدغهٔ بزرگ خانواده‌ها در لالایی‌ها، در فرهنگ بختیاری نیز بازتاب یافته است. تنها چاره برای سلامتی کودکان و فرزندان، توکل به خداوند بوده است و از او، خواسته می‌شود که کودکان را از مرگ نجات دهد:

خداوندا بِگن زُودم نَمیری دو پَسْتُونم پُر ز شیر مَر تو سیری
(همان: ۲۳۷)

xodāvandā bekone rûdom namiri/ do pestûnom por ze şîre mar to siri
برگردان: خدا کند که فرزندم نمیری. دو پستان من پر از شیر است مگر تو سیر هستی.
مشکلاتی مانند فقر یا مسائلی همچون جنگ و غارت نیز از مواردی بوده است که مادر در لالایی‌ها، رفع آن‌ها را از خداوند می‌خواسته است؛ چنان‌که در لالایی‌های زیر از نداشتن اسباب زندگی - فقر - سخن به میان آمده و از خداوند خواسته شده است تا این نیازها را برطرف کند:

خداوندا بده مینای خِیشی خداوندا بده گِلِه مِیشی
خدا آوری گِره ما بی بَهُونیم نداریم بَهون مَر نه ز لُرُونیم
(همان: ۲۳۶)

xodāvandā bede maynāye xişi/xodāvandā bede galeyey misi//xodā awri gere mā bi bohūnim/ nadārim bohūn mar na ze lorūnim

۱۲۰ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال ۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۵، پاییز ۱۳۹۸

برگردان: خداوند مینایی از جنس خیش (پارچه کتان) و گله میشی به ما بده. خداوند ابر باران‌زایی آورده است، ما سیاه چادر نداریم. مگر ما از لرها نیستیم.

در لالایی زیر از غارت شدن سخن به میان آمده است که بهترین راه‌حل برای در امان ماندن از آسیب‌های این رفتار ضد اجتماعی، زیارت کردن و پناه به خداوند بردن بوده است:

بِیَو رُودُم که ایخویم ریم زیارت اَشْنِیم مالِ هالوت زه و غارت
خداوند که ای چوها دزه بون به راحت ایدهم ترقینه‌هامون

(همان: ۲۲۳)

beyaw rūdom ke ixoym rim zeyārat/ašnime māle halūt rahde ve Yārat
Xodāvandā i çawhā doro bün/be rāhet idom norqinehāmūn.

برگردان: فرزند عزیزم بیا که می‌خواهیم به زیارت برویم. شنیده‌ام اموال دایه‌ات را غارت کرده‌اند. خداوند این شایعه‌ها دروغ باشند و [اگر دروغ باشد]، نقره‌هایم را نذر تو خواهیم کرد.

در لالایی‌ها جز خداوند، کودکان با شخصیت پیامبر (ص) و امامان (ع) نیز آشنا می‌شوند؛ چنان‌که در لالایی زیر، نام پیامبر (ص) در کنار نام خداوند، دورکننده بدی‌ها و آسیب‌هایی مانند چشم زخم دانسته شده است:

نم خدا نم رسول کور بها چشم حسود

(همان: ۳۲۸)

nome xodā nome rasūle/ kūr behā çeşme hasūd

برگردان: نام خداوند نام رسول، چشم حسود کور بشود. یا در نمونه زیر، نام حضرت علی (ع) در کنار نام خداوند به عنوان یاری‌کننده افراد برای دور ماندن از خطرها آورده شده است:

لالا لالا گل گردو آفات رفته مین اردو
خدا همراه راهس با علی پشت و پناهس با

(همان: ۲۵۹)

lālā lālā gole gerdū āqāt rahde mine ordū //xodā hamrāhe rāhes bā/ ali pošto panāhes bā

برگردان: لالا لالا گل گردو، بابات به جنگ رفته است. خداوند همراهش باد و علی پشت و پناهش. به کاربردن صفت‌ها و القاب مثبتی مانند امیرالمؤمنین و شاه مردان برای حضرت علی (ع) در لالایی‌ها، نگرش شیعی قوم بختیاری را نشان می‌دهد. در لالایی‌ها، نام و یاد حضرت علی (ع)، از بین‌برنده غم و اندوه و شادی‌آفرین است:

سرگه بلند فریاد کردم امیرالمؤمنین یاد کردم
امیرالمؤمنین یا شاه مردان دل ناشدگون شاد گردان

(همان: ۲۵۰)

sare kohe boland faryād kerdom/amirolmomenine yād kerdom
amirolmomenin yā šāhe mardān/ dele našādgūne šād gardān

برگردان: روی کوه بلند، فریاد و از حضرت علی یاد می‌کنم. ای امیرالمؤمنین، ای شاه مردان، دل ناشاد
ما را شاد گردان.

لالایی گویم خوابت گُئِم مُ علی گویم که شادت گُئِم مُ

(همان: ۲۷۶)

lālāi gūyom xābet konom mo /ali goyomo šādet konom mo

برگردان: لالایی می‌گویم تا تو را خواب کنم. علی می‌گویم تا شادت کنم.
در لالایی زیر مادر، کودک خود را در صورت بزرگ شدن، غلام حضرت معصومه (س) می‌کند و بدین
طریق ارادت خود را به این شخصیت بزرگوار نشان می‌دهد:

لالا لالایت اِکُئِم مُ علی فرمود که صد سالت گُئِم مُ
صد سالت کنم تا بد نبویی غُلوِم حضرت مَعصِیمه بُویی

(قتبری، ۱۳۹۱: ۱۴۱)

lālā lālāyat ekonom mo/ ali farmūd ke sād sālet konom mo
sad sālet konom tā bad nabovi/ Yolūme hazrate masime bovi

برگردان: لالا لالایت می‌کنم من. علی گفت که من تو را صد ساله می‌کنم. صد سالت می‌کنم تا بد
نباشی. غلام حضرت معصومه باشی.

در ترانه‌های نوازشی نیز مهمترین مضمون دینی بازتاب یافته، سپاس‌گزاری از خداوند به سبب دادن
نعمت‌های گوناگون است. در حقیقت در این اشعار، این پدر و مادر هستند که به پاس‌داشت
نعمت‌های الهی می‌پردازند و کودک بدین‌گونه با صفت‌های مختلف خداوند که نشانهٔ رحمان و رحیم
بودن اوست، آشنا می‌شود. در ترانه‌های نوازشی، کودک به صورت غیرمستقیم می‌آموزد باید از خداوند
و در پی آن از امامان (ع) به سبب اعطای نعمت‌های گوناگون سپاس‌گزاری کند:

شُکْرِسِ بَا آقَا خِدا شُکْرِی دَادِه بَه اِیْمَا
شُکْرِتِ شُکْرِتِ شُکْرِوْنِی آی خِدا دَادِی نَسْتُوْنِی

(حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۳۲۵)

šokres bā āqā xodā/ kori dā be imā// šokret šokret šokrūni /ay xodā dādi nastūni

برگردان: خدای را سپاس که فرزند پسری به ما داده است. بسیار سپاس ای خداوند، این فرزند به ما
داده را از ما بگیر.

قُرْبُوْنِ اِمَامُوْن کُر دَادِه بُمُوْن

(همان: ۳۲۸)

qorbūne emāmūn /kor dāde bemūn

برگردان: قربان امامان بشوم که فرزند پسری به ما داده‌اند.

مضمون دینی دیگر در ترانه‌های نوازشی، دعا برای زنده ماندن و بیمار نشدن کودکان است:

خوشگل	خوشگل	اناری	خدا	کُنه	تَنالی
خوشگل	خوشگل	پَیری	خدا	کنه	تَمیری

(همان: ۳۲۶)

xoşgel xoşgel anāri/ xodā kone nanāli//xoşgel xoşgel paniri /xodā kone namiri

برگردان: خوشگل خوشگل همچون انار(قرمز)، خدا کند که بیمار نشوی و ناله نکنی. خوشگل خوشگل همچون پیر(سفید) خدا کند که زنده بمانی.

در اشعار مربوط به بازی‌ها، موضوع خوب و بد بودن اعمال و این‌که خداوند افراد بدکار را مجازات می‌کند، بازتاب یافته است و بدین ترتیب، می‌توان گفت در این اشعار، کودک به شناخت دیگری از خداوند می‌رسد و آن طرح شدن صفت‌های جلالی خداوند است که نقش مهمی در تنظیم روابط اجتماعی بین افراد دارند؛ چنان‌که در ترانه زیر که در بازی انگشتانه خوانده می‌شود، کودک از دزدی کردن بازداشته می‌شود. در حقیقت به کودک یادآوری می‌شود در صورت ارتکاب این گناه کبیره، باید به خداوند پاسخ‌گو باشد:

ئ	ایگ	بریم	دزدی	ئ	ایگ	چی	چی	بُذزیم
ئ	ایگ	تَشْتِ	طِلانِه	یا	دخترِ	شانه	ئ	ایگ
								جوابِ
								خُدانه

(همان: ۳۶۱)

yo igo berim dozdi /yo igo çi çi bedozdim//yo igo tašte telâne yā doxtare şâne /yo igo javābe xodāne

برگردان: این می‌گوید بیا به دزدی برویم. این می‌گوید چه چیزی را بدزدیم. این می‌گوید تشت طلا یا دختر شاه را. این می‌گوید جواب خدا را چه بدهیم.

۴. مؤلفه‌های دینی در اشعار عروسی در فرهنگ بختیاری

عروسی در بختیاری، شامل مراحل مختلفی است که در هر مرحله، اشعار گوناگونی با نام‌هایی مانند «آهای گل (āhāy gol)»، نای نای (nāye nāy)، دیمه دیمه (dime dime)، دوالالی (dovālāli) و المان (almān almān) از سوی شرکت‌کنندگان به خصوص زنان خوانده می‌شود. از نظر محتوا، بیان اعتقادات و باورهای مذهبی از مسائل مهم بازنمایی شده در این اشعار است. کاربرد مؤلفه‌های دینی در اشعار مربوط به عروسی، بیشتر برای بیان اعتقادات دینی، تبرک و دوری‌جستن از گزندهاست.

گفتنی است ازدواج خویشاوندی و فامیلی در فرهنگ ایرانی مطلوب دانسته شده است (ر.ک: عبیدی، ۱۳۹۳: ۹۱). در فرهنگ اسلامی نیز این اعتقاد وجود دارد که عقد پسر و دختر عمو را در آسمان‌ها بسته‌اند؛ باوری که در مورد ازدواج حضرت علی(ع) و فاطمه(س) وجود دارد:

«[فرشته... پس رَبِّ العَزَّةَ مرا بدین بشارت به تو فرستاد یا محمد(ص) و گفت: حبیب مرا بشارت ده و با وی بگو که ما این عقد در آسمان بستیم، تو نیز در زمین بند]» (رکنی یزدی، ۱۳۷۵: ۱۱۵). در فرهنگ بختیاری نیز ازدواج درون ایلی اهمیت بسیاری دارد؛ چنان‌که «اگر پسری در ایل بختیاری به سن بلوغ برسد، باید ابتدا دختری از خانوادهٔ عمو، عمه، خاله و دایی را برای ازدواج انتخاب نماید و اگر میسر نشد، می‌تواند به خواستگاری دختری دیگر برود» (حنیف، ۱۳۸۶: ۴۰). این امر نیز نشان از الگوبرداری ازدواج‌ها در فرهنگ بختیاری از فرهنگ شیعی دارد؛ چنان‌که در شعر زیر به وضوح به این مسئله اشاره شده است:

مِینِ چَکِ خانمِ عروسِ یِ ریالِ دو عنبره ای خومی که ایما کردیم یِ خومی یِ پیغمبره

mine êake xānom arūs ya riyālo do anbare/ i xomi ke imā kerdime yo xomiye pai Yambare

برگردان: در زلف خانم عروس یک ریال و دو عنبر قرار دارد. این خویشاوندی [خویشاوندی سببی ناشی از ازدواج] که ما انجام دادیم؛ ازدواج پیامبرگونه [ازدواج حضرت علی با فاطمه] است.

معمولاً اشعار عروسی با ابیاتی مانند بیت زیر شروع می‌شوند که متبرک به نام خداوند و پیامبر(ص) است و بدین ترتیب با نام بردن از خداوند و پیامبر(ص)، عروسی و به‌خصوص شخص داماد از هرگونه گزند و آسیب دور نگه داشته می‌شود:

بسم الله رحمان رحیم بسم اعظم خدا سر شون آقا دوماد یا محمد یا الله

besme allāh rahmāne Rahim besme azame xodā/ sare šūne aqā dūmā yā mohamad yā allāh

برگردان: به نام خداوند رحمان و رحیم، به اسم اعظم خداوند [جشن شروع می‌شود]. سر شأنهٔ داماد نام محمد(ص) و الله نوشته شده است.

برای دفع چشم زخم از داماد، همواره نام خداوند برده می‌شود:

پِیاینِ بِشُونِیمِ پِیاینِ بِخُونِیمِ بِگَهِیمِ صَدِ ماشالا هر کجا دوما گذرده ماشالا نوم خدا

beyāin bešūnim beyāin bexūnim begohim sad masala/ har kojā dūmā godarde māšālā nūme xodā

برگردان: بیایید برقصیم بیایید بخوانیم و همواره بگوییم صد ماشاء الله. هر کجا داماد می‌گذرد ماشاء الله و نام خدا بگوییم.

هَیِ ماشالا هَیِ ماشالا شِرِ شِرِ پِرَنوِ اِیا کِلِ زِنِینِ گَالِهَ زِنِینِ مَهَ وا اَفَتوِ اِیا

hay māšālā hay māšālā šer šere bernaw iyā/ kel zenin gāle zenin mah vā aftaw iyā

برگردان: هی ماشالله هی ماشالله صدای تفنگ برنو می‌آید. کل و گاله (صدای شادی زنان و مردان در عروسی) زبید که ماه با آفتاب می‌آید.

با بردن نام حضرت علی (ع) کار برپایی جشن عروسی را شروع می‌کنند:

تُشمال آی تو ساز بَرَن تا مُ بَگَم یا علی نوک سازت تُرَقَه گِروم کمر بند حُشک و زری
tošmālay to sāz bezan tā mo begom yā ali /noke sāzete norqe gerom kamarband
hoško zari

برگردان: ای ساز زن تو نواختن را شروع کن تا من یا علی بگویم. نوک سازت را نقره و زر بگیرم و کمر بند خشک و زر.

از جمله رسوم بختیاری در عروسی، بستن کمر عروس با پارچه است که این عمل نیز با بردن نام امام رضا (ع) آغاز می‌شود:

بِیو بِریم حُونه خدا سَبیلِ باغِ پادشا کِدِ بَهِیگِ بَوَندین یا علی موسا رضا
beyaw berim hone xodā saile bāYe pādesā kade behige bovandin yā ali mosā rezā

برگردان: بیا برای دیدن باغ پادشاه به خانه خدا برویم. کمر عروس را ببندید یا علی موسی رضا. همچنین از اعتقادات مذهبی داماد و عروس سخن به میان می‌آید. اتاق‌های خانه داماد رو به قبله و وی در آن‌ها پیوسته در حال شکرگزاری از خداوند است:

ای اَتاقا ری و قَلِبِه خِشت و نیم خِشْتِس طِلا مِینِس نِشستِه آقا دوما دِ ای کُنِه شُرگِ خدا
i otaqā ri ve qelbe xešto nim xeštes telā /mines nešaste āqā dūmā I kone šorge xodā

برگردان: اتاق‌ها رو به قبله و خشت آن‌ها از طلاست. درون اتاق‌ها داماد نشست است و خداوند را شکر می‌کند.

عروس نیز قصد زیارت کربلا را دارد:

هَی مُتُرچی هَی مُتُرچی چِرَخ مُتُرِتِ طِلا مِینِ مُتُر خائِمِ عروسِ عُ رِ سِی کربلا

hay motorči hay motorči čarxe motoret telā /min motor xānom ‘arūs xo re si karbalā
برگردان: ای موتورچی، موتورت از جنس طلا. درون موتور، خانم عروس نشست است و می‌خواهد به کربلا برود.

همچنین برای تبرک و تیمن، از کربلا به عنوان محل برگزاری عروسی سخن گفته می‌شود:

هَی تو نَگُ بِلِ حُمِ بَگَمِ خوندَنُم کَوگِ طِلا عروسی دوما دِ به کاره زیر بَندِ کربلا

hay to nago bel xom begom xondanom kawge telā/ arūsi dūmā bekāre zir bande
karbalā

برگردان: شما نخوانید، اجازه دهید خودم بخوانم. عروسی داماد زیر بند کربلا در حال برگزاری است.

۵. مؤلفه‌های دینی در سوگ‌سروده‌ها (سُرو و گُ‌گریو)

مراسم سوگواری در بختیاری، متأثر از فرهنگ ایران باستان و فرهنگ اسلامی است و این پدیده، متعاقب مرگ، در نگاه مردم خداپاور، چشم‌اندازی از هنر، ادبیات، عاطفه و احساسات پاک را به منزلهٔ گذرگاهی به منزل آخرت به نمایش می‌گذارد (ر.ک: کیانی، ۱۳۸۳: ۳۶۷). در فرهنگ بختیاری، برای فرد متوفی، مراسم‌های مختلف مانند تشییع جنازه، خاک‌سپاری، هفته، چهلم و سال برگزار می‌شود که در طی این مراسم‌ها، آداب و رسوم خاصی دیده می‌شود. از جملهٔ این رسوم، خواندن اشعاری حزن-انگیز به نام «سُرو» (sorō) یا «گُ‌گریو» (gogriv) است. موقعیت اجتماعی، سن، حرفه، ویژگی‌های اخلاقی و علت مرگ، از جمله عوامل تأثیرگذار بر مفاهیم سوگ‌سروده‌ها هستند (ر.ک: غفاری، ۱۳۸۸: ۱۷۱). در این اشعار، از مفاهیم مختلفی که معمولاً پیشه، اصالت، مهارت‌ها و اعتقادات فرد متوفی است، به گونه‌ای افتخارآمیز سخن گفته می‌شود. «محتوای این نوع موسیقی، در وصف ایل، طایفه و منطقه‌ای است که متوفی در آن‌جا زندگی می‌کند، به‌خصوص ویژگی‌های خود متوفی. مفاهیم استخراج شده، مملو از اصطلاحات و اشعاری در باب دل‌تنگی، فراق، غم و اندوه خانواده و مردمان ایل و مظاهر طبیعت، در از دست دادن متوفی، بزرگی و شخصیت والای متوفی است. مضامین دیگر، کارهایی است که متوفی در طول زندگی‌اش انجام داده یا در وصف جنگ‌هایی است که در آن‌ها شرکت کرده یا جنگ‌هایی که ایل بختیاری در تاریخ انجام داده است» (مقصودی و شیرمردی، ۱۳۹۳: ۳۲۶). از مسائل دیگری که به عنوان یک رفتار افتخارآمیز به آن توجه شده، بیان مسائل مذهبی است. در سوگ-سروده‌ها هم بسامد طرح مسائل مذهبی و هم تنوع آن‌ها، بسیار بیشتر از اشعار لالایی و ازدواج است. اگر در آن اشعار، بیشتر قصد بر این بود که مخاطب به سمت هویت دینی گرایش یابد، بر این اساس عمل کند و از بایدها سخن گفته می‌شود، در سوگ‌سروده‌ها به اعتقادات عمیق متوفی اشاره می‌شود و از آن‌چه متوفی بوده است، سخن به میان می‌آید. در سوگ‌سروده‌ها، از مسائلی مانند اعتقاد به توحید، نبوت، امامت، قرآن، نماز، مهر، جانماز، امامان، امامزادگان و شهرهای مذهبی سخن گفته شده است. در این اشعار، گاهی به اعتقاد کلی در قوم بختیاری، دربارهٔ مسائل مذهبی اشاره شده است و گاهی نیز به اعتقادات و باورهای خاص شخص متوفی. این امر هم جایگاه تفکر دینی و مذهبی را در قوم بختیاری نشان می‌دهد و هم میزان باورمندی شخص متوفی را.

در سوگ‌سروده‌ها، اشاره می‌شود که مرگ و زندگی افراد دست خداست؛ بدین سبب همواره از خداوند خواسته می‌شود مرگ را از عزیزان و بزرگان دور کند:

سازینه تو ساز بزن ساز چپینه آی خدا تو مگش آستاره ایله

(حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۶)

sāzinay to sāj bezan sāze çâpine /ay xodā to makoš āstāre ile.

۱۲۶ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال ۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۵، پاییز ۱۳۹۸

برگردان: ای نوازنده تو آهنگ عزاداری بنواز. ای خدا تو ستاره ایل را مکش.

خدایا وِردار سِه چِی وِ زَمُونِه
کُورِی ی پِیری ی مرگِ جاهِلُونِه

(کیانی، ۱۳۷۹: ۷۰)

xodāyā vardār se çî ve zamūne /kori yo piri yo marge jāhelūne

برگردان: خدایا سه چیز را از زمانه بردار: کوری، پیری و مرگ جوانان را.

و بدین دلیل از زبان متوفی نیز بیان می‌شود برای دور کردن بلا باید به درگاه خداوند دعا کرد:

آی گگو سِی خاطرُم بَعَل بَگِیَرُم
رِیتِ بِه خدا بَگَن بلا نَمِیَرُم

(حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۶)

ay gagū si xāterom ba Yal begirom/ rite ve xodā bekon balā namirom

برگردان: ای برادر، به خاطر من، مرا در آغوش بگیر. رویت را به خدا بکن، مگر نمیرم.

در این اشعار از اعتقاد به معاد نیز سخن به میان آمده است و این نظر وجود دارد که خویشان می‌توانند بعد از مرگ در قیامت همدیگر را ببینند:

بَهْرُم خانه بَگْهین سَرِت سَلُومَت
دیدارِ خُوت بَوُوت وَسِتِ وُر قِیومَت

(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۳۲)

bahrom xāne bogohin saret salūmat /didāre xoto bavūt vast vor qiūmat.

برگردان: به بهرام خان بگوید سر خودت به سلامت باد. دیدار خودت و پدرت به روز قیامت افتاد.

در سوگ سروده زیر، اشاره می‌شود که فرد متوفی، به سبب اعتقاد به دین اسلام، همواره در حال نماز خواندن و برای حل مشکلات، پیوسته یا علی بر زبان داشته است. این بیت به صورت ضمنی اشاره به این دارد که متوفی، به سه اصل اساسی در اعتقادات شیعه، یعنی توحید، نبوت و امامت اعتقاد داشته است و بر این اساس، رفتار او بر اساس مؤلفه‌های مذهبی انجام می‌شده است:

به دین محمدی هِی به نِمازی یا علی به کُوتِ سِی چاره‌سازی

(حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۲)

be din mohamadi hay ve nmāzi/ yā ali be lawte si çāresāzi

برگردان: به دین محمد هستی و همواره نماز می‌خوانی. برای چاره‌سازی و حل مشکلات، ذکر یا علی را بر لب داری.

از افتخارهای شخص متوفی است که همواره نام حضرت علی (ع) را بر زبان می‌آورد، نماز می‌خواند و این که مهر نمازش ساخته شهر مشهد است:

آ... یا علی به کُوسِه هِی به نِمازه
مُهرِس کارِ مَشهدِ به خُس پِرازِه

(همان)

ā... yā ali be lawte hay ve nmāze/ mohres kāre mašhad be xos berāze

برگردان: آ... یا علی بر لب دارد و همیشه نماز می‌خواند. مهرش ساخته مشهد است و این برازنده اوست.

و اکاوی مؤلفه‌های دینی در اشعار عامیانهٔ بختیاری (ص ۱۱۳-۱۳۰)-----حمید رضایی و همکار ۱۲۷

در ایبات زیر نیز نمازخوان بودن متوفی و رفتنش به مسجد، مهمترین ویژگی‌اش دانسته شده است:
جا نمازت وَنِدِه یی به رَوَزَنِ شا تا دو رکعت نماز کُنِی دِل نیگرِه جا
(همان: ۱۹۷)

jā namāzet vande bi be rawzane šā / tā do rekat nemāz koni del nigere jā
برگردان: جانمازت به روزن امامزاده انداخته بود. تا دو رکعت نماز بخوانی و برگردی، دلم آرام نمی‌شود.
پالْتَوِتِ وا مُل بَوَن با اَحْمَدُونِه یِ دِر به مسجد بِخُور شَو ییو به حُونِه
(همان: ۱۹۶)

pāltovete vā mol bovan bā ahmadūne / ya der ve masjed bexor šaw biyaw be hūna
برگردان: پالتوت را مدل بابا احمدی بر دوش بیفکن و به مسجد برو و سپس بازگرد.
گذشته از اعمال عبادی مانند نماز، از زیارت رفتن فرد متوفی نیز سخن گفته می‌شود؛ چنان‌که در نمونه‌های زیر در کنار پیوسته نمازخوان بودن وی، از رفتن او به زیارت کربلا، مشهد و کعبه سخن گفته شده است:

جانمازِت وَنِدِه یی مِین عِمارت کربلا نِصِیوْتِه کی رِی زیارت
(همان)

jā nemāzet vande bi men emārat / karbalā nesivete kay ri ziyārat
برگردان: جانمازت در میان عمارت افکنده بود. زیارت کربلا نصیبت شده است، کی به زیارت می‌روی.

نَدُونُم و مَشْهَدِی یا کربلایی دِل مُ جا نیگرِه تا حُت ییایی
(کیانی، ۱۳۷۹: ۵۱)

nadūnom ve mašhadi yā karbalāei/dele mo jā ni gere tā xot biyāei
برگردان: نمی‌دانم به مشهد رفته‌ای یا به کربلا. تا زمان برگشتن تو به خانه، من همواره دل‌نگران هستم.
نَدُونُم و مَشْهَدِی یا حُونِه کَعوه دِل مُ جا نیگرِه تا سِر وَعَدِه
(همان: ۵۱)

nadūnom ve mašhadi yā kave/ dele mo jā nigere tā sare vade
برگردان: نمی‌دانم به مشهد رفته‌ای یا خانهٔ کعبه. بی‌تاب هستم تا موعد مقرر که برگردی.
موضوع دینی دیگر در سوگ‌سرودها، اشاره به قرآن‌خوان بودن فرد متوفی است:
... بَنگِ اِیْرَنِه ییارِین قُرُونم ... مسافر مشهد حُم سیس بِخُونم
(همان)

ā... bang izane biyārin qorūnom/ ā... mosāfere mašhade xom sis bexūnom.
برگردان: ... صدا می‌زند که قرآنم را بیاورید. ... مسافر مشهد است می‌خواهم برایش بخوانم.
خان میر سلطان میر شا کرده بَنگِت سرت به مُهرِ نماز قُرُون به چَنگِت

(قنبری، ۱۳۹۱: ۹۲)

xāne mir soltāne mir šā kerde banget/ saret ve mohre nemāz qorūn be çanget.
برگردان: خان میر سلطان میر شاه تو را صدا کرده است. سر تو بر مهر نماز است و قرآن نیز در دست داری.

همچنین برای شفا از بیماری از قرآن کمک خواسته می‌شود:

قُرُونَا تُو آيِ گُگُو جَلْتِسِ طِلَايِه
يَ دَعَايِي تُو سِيْمِ بِيكُنِ دَسْتِ شِفَايِه
(همان: ۹۲)

qorūnā to ay gagū jeltēs telāye/ ya doāi sim bokon dastet šefāye.

برگردان: قرآن تو ای برادر جلدش از طلاست. دعایی برایم بکن که دست تو شفا بخش است.

نذر و دعا کردن در امامزادها، مؤلفه دینی دیگر در این اشعار است که برای دور کردن خطر مرگ انجام می‌شود:

تَفَنگِ آ... بَه نَذَرِ پِرِه
رِيئُونِ بَه خَدَا كُنِينِ بَلَا نَمِرِه
(همان: ۳۳)

tofange ā... be nazre pīre /ritūne ve xodā konin balā namire

برگردان: تفنگ آ... را نذر امامزاده کرده‌ایم. همه دعا کنید مگر این که نمیرد.

هَمْچُ كِه اِيَايِ پِرِ رِي بَه رِيئِه
بَه گُمُونِ خَاطِرُمِ نَظَرِ بُرِيئِه
(همان: ۳۷)

hamço ke eiyāi piri ri be rite/ be gemūne xāterom nazar borite.

برگردان: همان جایی که می‌آیی، امامزاده‌ای روبرویت است. به گمانم چشم زخم به تو رسیده است.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به بررسی مؤلفه‌های دینی در اشعار عامیانه بختیاری (کودکانه‌ها، اشعار عروسی و سوگ سروده‌ها) پرداخته شد. در این اشعار، مؤلفه‌های گوناگون دینی مانند اعتقاد به توحید، معاد، نبوت، امامت، اشاره به امامزادگان، مسائل عبادی مانند نماز، زیارت کردن، رفتن به شهرهای مذهبی و مسجد بازنمایی شده است. در این اشعار، مؤلفه‌های دینی مبنای رفتار افراد است و همچنین این مؤلفه‌ها کارکرد مهمی برای تسکین دردهای گویندگان آنان دارد. در لایه‌ها به صورت غیرمستقیم، کودکان با صفت‌های جمالی خداوند مانند توانا، یاری‌کننده و برطرف‌کننده مشکلات آشنا می‌شوند، سپس در ترانه‌های نوازشی، از رفتار والدین می‌آموزند که باید به خاطر نعمت‌های بی‌شمار، سپاس‌گزار خداوند بود و در ادامه، در اشعار مربوط به بازی، با صفت‌های جلالی خداوند مانند مجازات‌کننده خطاکاران آشنا می‌شوند. مادران نیز به عنوان خواننده این اشعار، همواره با خداوند، امامان و امامزادگان، از مشکلات گوناگون خود سخن می‌گویند، رفع این مشکلات را از آنان می‌خواهند و بدین

ترتیب، دردهای خود را تسکین می‌دهند. در اشعار مربوط به عروسی، هم از اعتقاد عمیق افراد به خصوص داماد و عروس به مؤلفه‌های دینی سخن گفته می‌شود و هم از خداوند و دیگر شخصیت‌های دینی و مذهبی خواسته می‌شود بلاها را از آنان دور کنند. مهمترین جلوهٔ مفاهیم دینی را هم از جهت تنوع و هم از جهت تکرار در فرهنگ بختیاری، می‌توان در سوگ‌سروده‌ها یافت. در فرهنگ بختیاری در سوگ‌سروده‌ها، مفاهیم و مسائل قابل افتخار برای شخص متوفی بیان می‌شود که از جملهٔ این مفاهیم افتخارآمیز، داشتن اعتقادات عمیق مذهبی است. در مجموع می‌توان گفت که این اشعار نه تنها نگرش به دین و مذهب را در فرهنگ بختیاری بازنمایی می‌کنند، بلکه نقش مهمی نیز در نهادینه کردن این ارزش‌ها در فرهنگ بختیاری دارند.

منابع

کتاب‌ها

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی خانوادهٔ ایرانی، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی خانواده، چاپ هفتم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- حسین پور، علی (۱۳۹۱)، فرهنگ و ادبیات کودکان بختیاری، شهرکرد: نیوشه.
- حنیف، محمد (۱۳۸۶)، سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری، تهران: نشر آینده.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۹)، قرآن پژوهشی (۱)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رکنی یزدی، مهدی (۱۳۷۵)، برگزیدهٔ کشف‌الاسرار میبیدی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- سیپک، پیری (۱۳۸۴)، ادبیات فولکلور ایران، ترجمه محمد اخگری، چاپ اول، تهران: سروش.
- شفقی، مریم، دادرس، مهدی (۱۳۹۶)، موادی برای مطالعهٔ گویش بختیاری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۰)، ادبیات کودکان، چاپ بیست و هفتم، تهران: اطلاعات.
- عبدی، عباس (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- عزیزاده گل سفیدی، مصطفی (۱۳۸۸)، تشیع در بختیاری، اصفهان: سرو چمان.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)، توسعه و انسان‌شناسی کاربردی، چاپ اول، تهران: نشر افکار.
- قنبری، عباس (۱۳۹۱)، فولکلور مردم بختیاری، چاپ اول، شهرکرد: انتشارات نیوشه.

۱۳۰ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال ۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۵، پاییز ۱۳۹۸

- کیانی، ایوب (۱۳۷۹)، سوگواری در بختیاری، چاپ اول، اهواز: مؤسسه فرهنگی نور معرفت.

- هدایت، صادق (۱۳۷۸)، فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران: نشر چشمه.

پایان‌نامه‌ها

- حسین‌زاده، مسعود (۱۳۹۱)، گردآوری، بررسی و تحلیل ادبی و فرهنگی سوگ‌سروده‌های عامیانه بختیاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، شهرکرد، دانشگاه پیام نور شهرکرد.

مجلات

- باباصفری، علی اصغر و اورک، پریسا (۱۳۹۲)، «تأثیر قرآن بر آفرینش ضرب‌المثل‌های فارسی»،

نشریه ادب و زبان، س ۶۱، ش ۳۴، صص ۷۵-۱۰۵

- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)، «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، فصلنامه

مطالعات ملی، ش ۲، صص ۲۷-۵۳

- رضایی، حمید و ظاهری عبدوند، ابراهیم (۱۳۹۴)، «تأثیر جنسیت بر اشعار عامه بختیاری»، دو

فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، ش ۷، س ۳، صص ۴۳-۷۱

- رضایی، حمید و ظاهری عبدوند، ابراهیم (۱۳۹۲)، «تصویر زن در قصه‌های عامیانه فرهنگ

بختیاری»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۲، صص ۲۶۰-۲۳۹

- غفاری، عیسی (۱۳۸۸)، «موسیقی سوگ در ایل بختیاری، نگاهی به آواز گاگریوه و ساز چپی در

موسیقی بختیاری»، فصلنامه هنر، ش ۸۲، صص ۱۸۴-۱۷۰

- کیانی، ایوب (۱۳۸۳)، «رنگ آواز و مرگ آواز»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران-

شناسی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، بنیاد ایران‌شناسی، صص ۳۶۱-۳۷۳

- غفوری‌فر، محمد، حسینی، علیرضا (۱۳۹۶)، «تحلیل و بررسی بازتاب قرآن کریم در کنایه‌های

عامیانه با رویکرد بینامتنیت»، نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز، س ۷۰، ش ۲۳۶،

صص ۱۶۷-۱۸۷

- مقصودی، سوده، شیرمردی، پژمان (۱۳۹۳)، «بررسی مفاهیم سوگ در قوم بختیاری با تأکید بر

تحلیل محتوای موسیقی گاگریو»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۶، شماره ۲، صص ۳۲۹-